

Journal of  
**Comparative Law Review**  
(JCL)

DOI: 10.22059/JCL.2022.327198.634220

**Fiscal-Financial Arrangements of Participation Between  
National Oil Companies and International Oil Companies as  
to the Upstream Petroleum Exploration Operations**

Abdolhossein Shiravi<sup>1</sup>  | Mahdi Abbasi Vafaei<sup>2</sup> 

1. Professor of Law, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: [ashiravi@ut.ac.ir](mailto:ashiravi@ut.ac.ir)

2. Corresponding Author; Ph.D in Oil and Gas Law, University of Tehran, Tehran, Iran.

Email: [mahdi\\_abbasi60@ut.ac.ir](mailto:mahdi_abbasi60@ut.ac.ir)

**Article Info**

**Paper Research:**  
Research Article

**Received:**  
2022/03/12  
**Accepted:**  
2022/06/26

**Keywords:**  
*Recovery,  
Participating interest,  
Joint Operations,  
Participation, Costs.*

**How To Cite**

**Publisher**

**Abstract**

After conclusion of upstream agreement, the International Oil Company (IOC) may be required to carry out upstream operations with the participation of the National Oil Company (NOC). As a result, after the conclusion of upstream agreement, a joint operation agreement is concluded between the NOC and the IOCs and a participating interest is allocated to the NOC. By allocating a stake to a NOC, one should expect the obligations and risks of the IOC in the upstream agreement to be transferred to the NOC, which in fact means a reduction in the IOC's obligations under upstream, but this is contrary to the upstream agreement. Since NOC's cannot participate in operations as a real partner like a petroleum contractor, it is a question of how financial arrangements should be designed so that a NOC can accept participating interest in the joint operating agreement without accepting a commitment or risk. Accordingly, the participating interest of NOC is in the form of a carried interest, meaning that the NOC's share of costs up to a certain point (often commercial discovery) is borne by the IOCs and after that point the NOC reimburses all previous expenses in cash or the expenses are recovered from NOC's entitlements.

Shiravi, Abdolhossein; Abbasi Vafaei, Mahdi (2022). Fiscal-Financial Arrangements of Participation Between National Oil Companies and International Oil Companies as to the Upstream Petroleum Exploration Operations. *Comparative Law Review*, 13 (2), 633-651.

University of Tehran Press.



## مطالعات حقوق تطبیقی

سال ۱۳، شماره ۲، شماره پیاپی ۲۶

پاییز و زمستان ۱۴۰۱، ۶۳۳-۶۵۱

DOI: 10.22059/JCL.2022.327198.634220

### ساختار مالی مشارکت میان شرکت‌های ملی و شرکت‌های بین‌المللی

#### در عملیات اکتشاف بالادستی نفتی

عبدالحسین شیروی<sup>۱</sup> | مهدی عباسی وفائی<sup>۲</sup>

۱. استاد حقوق دانشگاه تهران، تهران، ایران. رایانامه: [ashiravi@ut.ac.ir](mailto:ashiravi@ut.ac.ir)

۲. نویسنده مسؤل؛ دانش‌آموخته دکتری حقوق نفت و گاز، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

رایانامه: [Mahdi\\_abbasi60@ut.ac.ir](mailto:Mahdi_abbasi60@ut.ac.ir)

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی	پس از انعقاد قرارداد نفتی بالادستی، ممکن است شرکت بین‌المللی نفتی ملزم شود عملیات بالادستی نفتی را با مشارکت شرکت ملی نفت انجام دهد. در نتیجه، پس از انعقاد قرارداد بالادستی بین شرکت ملی نفت و شرکت(های) بین‌المللی نفتی، قرارداد عملیات مشترک منعقد شده، در کنار شرکت(های) بین‌المللی، سهم مشخصی نیز به شرکت ملی نفت اختصاص می‌یابد. با اختصاص سهم به شرکت ملی باید انتظار داشت که تعهدات و ریسک‌های شرکت(های) بین‌المللی در قرارداد بالادستی به شرکت ملی منتقل شود و این در واقع به معنای کاهش تعهدات شرکت(های) بین‌المللی است، اما این امر خلاف مقتضای قرارداد بالادستی است. از آنجایی که شرکت‌های ملی نمی‌توانند همانند یک شریک واقعی و بسان یک شرکت پیمانکاری نفتی در عملیات مشارکت نمایند، این مسئله مطرح است که ترتیبات مالی چگونه باید طراحی شود که بدون اینکه شرکت ملی تعهد یا ریسکی را قبول کند، سهمی از قرارداد عملیات مشترک را ببرد. بر همین اساس، سهم شرکت ملی نفت در قالب سهم تعهدشده است؛ به این معنا که سهم این شرکت از هزینه‌های عملیات تا یک نقطه مشخص (غالباً کشف تجاری) برعهده شرکت(های) بین‌المللی نفتی قرار می‌گیرد و پس از آن، شرکت ملی نفت نقداً کل هزینه‌های پیشین را بازپرداخت کرده یا هزینه‌ها از نفت تولیدی سهمی شرکت ملی نفت بازپرداخت می‌شود.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۲۱	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۰۵	
کلیدواژه‌ها: باز یافت، سهم، عملیات مشترک، مشارکت، هزینه‌ها.	
استناد	شیروی، عبدالحسین؛ عباسی وفائی، مهدی (۱۴۰۱). ساختار مالی مشارکت میان شرکت‌های ملی و شرکت‌های بین‌المللی در عملیات اکتشاف بالادستی نفتی. مطالعات حقوق تطبیقی، ۱۳ (۲)، ۶۳۳-۶۵۱.
ناشر	مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.



**مقدمه**

نفت از جمله کالاهایی است که به سبب ارزش و تأثیر جهانی آن در اقتصاد، کشورها در تسلط بر آن با یکدیگر رقابت دارند. کشورهای پیشرفته با استفاده از فناوری‌های نوین، دانش مدیریتی و منابع مالی در تلاش‌اند بر معادن نفتی کشورهای صاحب نفت تسلط پیدا کنند. کشورهای نفت‌خیز هم با ابداع روش‌های جدید قراردادی سعی می‌کنند فناوری، دانش و منابع مالی را به سوی کشور خود سوق داده، تسلط بر نفت را افزایش دهند و منافع ملی خود را حفظ کنند (ایرانپور، ۱۳۸۷: ۲۹).

یکی از روش‌های افزایش تسلط بر نفت از طریق انتقال فناوری و دانش، الزام شرکت‌های بین‌المللی نفتی به مشارکت دادن شرکت‌های ملی نفت در انجام عملیات بالادستی است. نمونه بارز این موضوع نروژ است که از این طریق، شرکت ملی نفت خود (استاتاویل) را به یک شرکت فعال بین‌المللی تبدیل کرد که در سایر کشورها نیز عملیات نفتی انجام می‌دهد (Duval and others, 2009: 286).

به موجب بند ۳ قسمت «ت» ماده ۳ قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت، «جذب و هدایت سرمایه‌های داخلی و خارجی به منظور توسعه میادین هیدروکربوری با اولویت میادین مشترک از طریق طراحی الگوهای جدید قراردادی از جمله مشارکت با سرمایه‌گذاران و پیمانکاران داخلی و خارجی بدون انتقال مالکیت نفت و گاز موجود در مخازن و با رعایت موازین تولید صیانت‌شده» یکی از وظایف و اختیارات وزارت نفت است. هرچند در خصوص این مقرر مباحثی راجع به مدل‌های بالادستی نفتی مطرح شده (شیروی و امین مجد، ۱۳۹۱: ۳۱-۳۰)، ولی حداقل مشارکت سرمایه‌گذاران و پیمانکاران داخلی را پیش‌بینی کرده است. البته مشارکت در سایر قوانین و مقررات نیز پیش‌بینی شده است (شیروی و خدادادپور، ۱۳۹۳: ۲۳۳).

این نوع مشارکت می‌تواند با روش‌های مختلفی انجام شود. در گذشته، کشورهای صادرکننده نفت مستقیماً یا از طریق شرکت ملی نفت خود با شرکت‌های بین‌المللی نفتی قرارداد مشارکت در سرمایه‌گذاری منعقد می‌کردند، ولی با تغییراتی که در ساختار قراردادهای بالادستی رخ داد، قراردادهای مشارکت سرمایه‌گذاری کنار گذاشته شد و کشورهای نفتی شرکت‌های بین‌المللی نفتی را ملزم کردند که پس از اعطای مجوز یا انعقاد قرارداد بالادستی اصلی، عملیات را با مشارکت شرکت ملی انجام دهند. به این منظور، قرارداد عملیات مشترک<sup>۱</sup> بین شرکت ملی و شرکت(های) بین‌المللی منعقد می‌شود و به شرکت ملی، مانند یک شریک، سهمی اختصاص می‌یابد. کشورهای مانند دانمارک، گرینلند و نروژ نمونه قراردادهای عملیات مشترک را برای این موضوع منتشر کرده‌اند. در برخی موارد نیز ممکن است دولت خود مستقیماً و بدون اینکه شرکت ملی نفت با شرکت بین‌المللی نفتی قرارداد عملیات مشترک منعقد نماید، در عملیات سهمی از

1. joint operating agreement

نفت تولیدی یا عواید برای خود در نظر بگیرد. وجه مشترک هر سه روش این است که دولت، ریسک عدم کشف را برعهده نمی‌گیرد.

به دلیل الزامات قانونی، شرکت‌های ملی نفت نمی‌توانند مانند یک شریک واقعی برای شرکت بین‌المللی نفتی (پیمانکار نفتی) در عملیات مشارکت کرده، ریسک عملیات نفتی را بپذیرند. مهم‌ترین ریسک عملیات نفتی، عدم کشف تجاری است. بنابراین، مشارکت شرکت ملی نفت<sup>۱</sup> در عملیات نفتی بدون تقبل ریسک، به این معناست که این شرکت سهم خود از هزینه‌های عملیات اکتشاف را تا قبل از کشف تجاری نمی‌پردازد. به این ترتیب، اگرچه سهمی از کل عملیات به شرکت ملی نفت اختصاص می‌یابد، سهم این شرکت از هزینه‌های عملیات عموماً پس از کشف تجاری میدان انجام می‌پذیرد و قبل از کشف تجاری، هزینه عملیات اکتشاف برعهده سایر طرف‌های قرارداد عملیات مشترک خواهد بود. با توجه به این موضوع، این پرسش مطرح است که ترتیبات مالی (نحوه تسهیم هزینه‌ها) بین شرکت ملی نفت و شرکت(های) بین‌المللی در قرارداد عملیات مشترک چه قبل از کشف تجاری و چه بعد از آن، باید به چه صورت تنظیم شود که مشارکت شرکت ملی نفت بدون ریسک تلقی گردد.

در این مقاله برای پاسخ به این پرسش، ابتدا مفهوم مشارکت شرکت ملی نفت در عملیات نفتی بیان می‌شود و پس از آن این مفهوم با مشارکت شرکت ملی نفت با مفهوم سابق خود (مشارکت در سرمایه‌گذاری) مقایسه می‌گردد. سپس، نحوه تخصیص سهم به شرکت ملی نفت در مدل مشارکت در عملیات، و سرانجام نحوه بازیافت هزینه‌های اختصاصی در این مدل مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در خصوص این موضوع تحقیق مستقلی در منابع فارسی یافت نشده است. با وجود این، در منابع خارجی، در تحقیقات متعددی به‌طور پراکنده، سهم تعهدشده<sup>۲</sup> برای تبیین موردی که سهم یکی از طرف‌های قرارداد عملیات مشترک نفتی از هزینه‌ها برعهده سایرین قرار می‌گیرد (اعم از اینکه طرف، شرکت ملی نفت باشد یا غیر آن)، مورد بحث قرار گرفته است.

بند «الف» ماده ۴ تصویب‌نامه «شرایط عمومی، ساختار و الگوی قراردادهای بالادستی نفت و گاز» مصوب ۱۳۹۵ هیئت وزیران<sup>۳</sup>، الزام مشارکت شرکت‌های ایرانی (اعم از ملی یا خصوصی)

۱. از این پس، هر جا سخن از مشارکت شرکت ملی نفت شد، مشارکت نهاد دولتی را نیز دربرمی‌گیرد، زیرا مشارکت عموماً از طریق انعقاد قرارداد عملیات مشترک با شرکت ملی نفت صورت می‌گیرد.

2. carried interest

۳. نقل از روزنامه رسمی شماره ۲۰۸۰۳ مورخ ۱۳۹۵/۵/۱۹: «در هر قرارداد بر حسب شرایط شرکت/ شرکت‌های ایرانی اکتشاف و تولید (E&P) - (Exploration&Production) که صلاحیت آن‌ها طبق ضوابط و شرایطی که وزارت نفت ابلاغ می‌کند، به تأیید شرکت ملی نفت ایران می‌رسد، به عنوان شریک شرکت یا شرکت‌های معتبر نفتی خارجی حضور دارد/ دارند و با حضور در فرآیند اجرای قرارداد، امکان انتقال و توسعه دانش فنی و

را پیش‌بینی کرده، ولی مقرر نداشته است که تقسیم هزینه‌ها بین شرکت ایرانی و شرکت بین‌المللی نفتی چگونه باشد. نوآوری این تحقیق از این جهت است که نتایج آن می‌تواند جهت اصلاح تصویب‌نامه پیش‌گفته و یا در طراحی مدل قرارداد عملیات مشترک جهت انعقاد میان شرکت‌های داخلی و بین‌المللی (مانند آنچه در برخی کشورها موجود است) استفاده شود.

### ۱. ساختار کلی مشارکت شرکت ملی نفت

مشارکت شرکت ملی نفت در عملیات بالادستی، در برخی کشورها مانند گرینلند، نیجریه و عربستان الزامی است و در بعضی کشورها مانند نروژ، شرکت ملی در مشارکت اختیار دارد (Pereira, 2018: no.2.1.b). در ایران نیز الزامی نیست، اما ممنوعیتی هم ندارد و شرکت ملی نفت ایران مجاز است از طریق شرکت‌های تابعه خود در عملیات نفتی بالادستی مشارکت نماید. در صورت مشارکت شرکت ملی نفت در عملیات، این شرکت با شرکت(های) بین‌المللی نفتی قرارداد عملیات مشترک منعقد می‌کند. البته نقش شرکت ملی نفت کاملاً شبیه طرف‌های دیگر مشارکت نخواهد بود. این تفاوت عمدتاً در دو چیز است: اولین تفاوت در عدم ریسک‌پذیری در عملیات اکتشاف است که شرکت‌های ملی نفت ریسکی را در عملیات نفتی برعهده نمی‌گیرند و سهم شرکت ملی نفت از هزینه‌ها، پس از کشف میدان تجاری بروز می‌کند و تا قبل از آن سایر طرف‌های مشارکت، سهم شرکت ملی از هزینه‌ها را پرداخت می‌کنند. دومین تفاوت در این است که ضمانت اجراهای تخلف از تعهدات از سوی شرکت ملی نفت، در مقایسه با سایر طرف‌ها جنبه ضعیف‌تری دارد (Roberts and Fowler, 2020: 51).

در یک آمار کلی در بیش از ۴۰ درصد از کشورها امکان مشارکت شرکت ملی نفت در عملیات وجود دارد که سهم شرکت ملی نفت غالباً بین ۱۰ تا ۵۱ درصد (با میانگین ۳۰ درصد) است. شرکت‌های بین‌المللی معمولاً تمایلی به مشارکت شرکت ملی نفت در عملیات ندارند. این عدم تمایل به دو دلیل عمده است: اولاً مشارکت شرکت ملی به کاهش کارایی اقتصادی عملیات مشترک منجر می‌شود و ثانیاً به دلیل تفاوت فرهنگی که معمولاً بین طرف‌های مشارکت وجود دارد، ممکن است به کاهش کارایی عملیاتی نیز بینجامد. مشارکت شرکت ملی این مزیت را نیز می‌تواند داشته باشد که شرکت‌های بین‌المللی همواره شرکتی را به‌عنوان شریک در کنار خود دارند که به پیچ‌وخم‌های اداری کشور محل عملیات آشناست (Johnston and Johnston, 2010: 4-5).

مشارکت شرکت ملی نفت در عملیات، این مسئله را از لحاظ ساختاری به همراه دارد که آیا

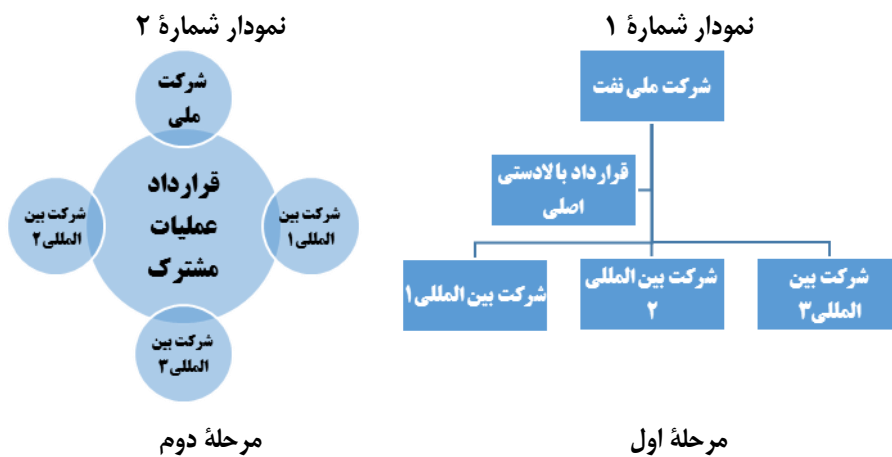
---

مهارت‌های مدیریتی و مهندسی مخزن به آنها میسر می‌شود. طرف دوم قرارداد موظف به ارائه برنامه انتقال و توسعه فناوری به عنوان بخشی از برنامه مالی عملیاتی سالانه می‌باشد. در هر قرارداد سیاست‌های اجرایی و اقدامات عملیاتی برای تحقق مفاد این بند باید به عنوان پیوست فناوری قرارداد آورده شود.»

با شرکت ملی نفت قرارداد جداگانه‌ای منعقد می‌شود یا همه طرف‌ها همراه با شرکت ملی نفت یک قرارداد عملیات مشترک منعقد می‌کند. نمونه قرارداد انجمن مذاکره‌کنندگان بین‌المللی نفتی دو گزینه موازی را ارائه می‌دهد که طرف‌ها اگر تمایل دارند از یک نسخه یا دو نسخه سند قراردادی در خصوص این موضوع استفاده نمایند.

استفاده از حالت دو نسخه مطلوب نیست، زیرا ممکن است به اختلاف در مفاد قراردادها منجر شود، اما استفاده از این حالت در جایی است که قرارداد عملیات مشترک قبلاً بین طرف‌ها منعقد شده و شرکت ملی نفت مفاد آن را قبول ندارد، به همین دلیل نسخه‌ای جداگانه نیز بین خود و همه طرف‌ها منعقد می‌کند. البته باید در نظر داشت که مفاد مربوط به مشارکت شرکت ملی نفت عموماً در نسخه منعقد گنجانده نشده و در قرارداد جداگانه‌ای قید می‌شود، همچنان‌که این انجمن شروط نمونه خود را در خصوص مشارکت شرکت ملی نفت، نه در نمونه قرارداد، بلکه در راهنمای<sup>۱</sup> این نمونه قرارداد آورده است.

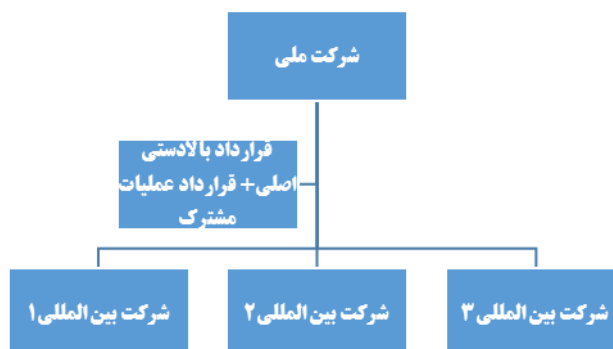
به‌طور کلی، ساختارهای شکلی مشارکت شرکت ملی در دو مدل زیر نمایش داده شده است. در مدل نخست، ابتدا شرکت ملی نفت قرارداد بالادستی اصلی (از قبیل قرارداد مشارکت در تولید، خدمت، بیع متقابل و غیره) را با شرکت(های) بین‌المللی منعقد می‌کند و در سند جداگانه‌ای قرارداد عملیات مشترک به امضای همین طرف‌ها می‌رسد.



اما در مدل دوم، مفاد قرارداد بالادستی اصلی همراه با قرارداد عملیات مشترک در یک سند مکتوب به امضای شرکت ملی نفت و شرکت‌های بین‌المللی نفتی می‌رسد.

1. AIPN, Guidance Notes to AIPN 2012 Model Joint Operating Agreement, pp. 9-12.

## نمودار شماره ۳



## ۲. مقایسه مشارکت شرکت ملی نفت در عملیات با مشارکت در سرمایه‌گذاری

مشارکت شرکت ملی نفت در عملیات، ترتیبات مقرر را شبیه به قرارداد سرمایه‌گذاری مشترک بالادستی اصلی می‌کند. در این قرارداد نیز (همانند قرارداد عملیات مشترک با مشارکت شرکت ملی نفت) سهمی از هزینه‌های عملیات برعهده شرکت ملی نفت قرار می‌گیرد و این سهم بدون ریسک بوده، پس از کشف میدان تجاری پرداخت می‌شود (شیروی، ۱۳۹۳: ۳۶۳).

این قرارداد انواع مختلفی دارد: ۱) مشارکت خالص که شرکت ملی همانند پیمانکار نفتی سهم خود از هزینه‌ها را پرداخته، ریسک‌های نفتی را برعهده می‌گیرد. این نوع مشارکت بسیار نادر است. ۲) مدل مشارکت موریتانی، با تعهد پیمانکار نفتی به پرداخت سهم شرکت ملی از هزینه‌های مرحله اکتشاف و سود ۵۰ درصدی برای بازیافت آن. ۳) نوع معمول که سهم شرکت ملی از هزینه‌ها در مرحله اکتشاف از سوی پیمانکار نفتی تعهد می‌شود و پس از اکتشاف و رسیدن به تولید، هزینه‌های تعهدشده پیمانکار بازیافت می‌شود. ۴) مدل مشارکت کلمبیا که در آن پیمانکار نفتی سهم شرکت ملی از هزینه‌های مرحله اکتشاف و نیز ارزیابی را برعهده می‌گیرد. ۵) مدل مشارکت با تعهد کامل که در آن پیمانکار نفتی سهم شرکت ملی از هزینه‌ها را برای مراحل اکتشاف و توسعه تقبل می‌کند. این نوع مدل مشارکت رایج نیست. ۶) مدل مشارکت روسی که پیمانکار سهم شرکت ملی از هزینه‌های مرحله توسعه را عهده‌دار می‌شود تا نقطه شروع جریان نقدی<sup>۱</sup> پروژه (Johnston, 1994: 103).

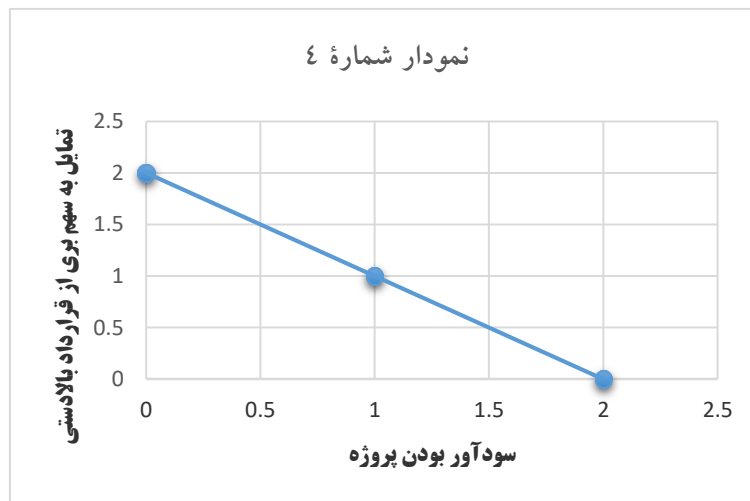
به هر حال، باید بین قرارداد سرمایه‌گذاری مشترک بالادستی اصلی (همراه با تعهد پیمانکار به تأمین سهم شرکت ملی از هزینه‌ها) و قرارداد عملیات مشترک با مشارکت شرکت ملی (همراه

1. Cash flow

با تعهد پیمانکار به تأمین سهم شرکت ملی)، تفاوت قائل شد. اولاً در حالت قرارداد عملیات مشترک با مشارکت شرکت ملی، عموماً دو سند قراردادی (بالادستی و قرارداد عملیات مشترک بین شرکت‌های پیمانکار) وجود دارد و در این حالت شرکت ملی نفت، نقش یک شرکت پیمانکار نفتی را خواهد داشت، ولی در قرارداد بالادستی سرمایه‌گذاری مشترک، معمولاً تنها یک سند قراردادی برای تنظیم روابط وجود دارد. ثانیاً در قرارداد بالادستی سرمایه‌گذاری مشترک، شرکت ملی از تولیدات و عواید مشارکت تحت یک قالب سهم می‌برد، اما در حالت قرارداد عملیات مشترک با مشارکت شرکت ملی، شرکت پیش‌گفته یک سهم از قرارداد بالادستی اصلی می‌برد و یک سهم از قرارداد عملیات مشترک. با وجود این تفاوت، ممکن است ادعا شود که در نهایت شرکت ملی سهم می‌برد، دیگر قالب و شکل آن تفاوتی نمی‌کند که در قالب قرارداد سرمایه‌گذاری مشترک بالادستی اصلی باشد یا مشارکت شرکت ملی در قرارداد عملیات مشترک. گزارش بانک جهانی در جولای سال ۲۰۰۳ ایجاد تمایز میان سهم شرکت ملی از عملیات مشترک و نیز سهم شرکت ملی از قرارداد بالادستی را لازم می‌داند، زیرا سهم شرکت ملی از عملیات مشترک ناشی از مشارکت شرکت ملی به‌عنوان طرف قرارداد است نه کارفرما. با وجود این، تمایز میان این دو تنها زمانی درست است که مشارکت شرکت ملی دقیقاً همانند سایر طرف‌ها باشد، نه اینکه هزینه‌های شرکت ملی به سایر طرف‌ها تحمیل شود (یا به عبارتی همراه با تحمل ریسک باشد). مضافاً اینکه این اصطلاحات از لحاظ رسمی شناسایی نشده، بعضاً نیز به‌جای یکدیگر به کار می‌روند (Moore, 2019: 482; Johnston, and Johnston, 2010: 8).

بنابراین، باید سهم شرکت ملی نفت از عملیات مشترک را در قالب سهم کلی شرکت ملی در نظر گرفت و نباید گفت که شرکت ملی یک سهم از قرارداد بالادستی می‌برد و یک سهم از عملیات مشترک، بلکه باید این دو را در قالب مفهومی واحد دید. اینک این پرسش مطرح می‌شود که آیا ترجیح شرکت‌های بین‌المللی به این است که سهم کلی شرکت ملی بیشتر در قالب سهم عملیات مشترک باشد یا سهم از قرارداد بالادستی؟ در پاسخ ابتدا باید گفت که وجود سهم شرکت ملی از قرارداد عملیات مشترک برای سایر طرف‌ها عموماً نامطلوب است، زیرا اولاً ارزش اکتشافات نفتی طرف‌ها به نسبت میزان سهم تعهدشده شرکت ملی کاهش یافته، ثانیاً به همین نسبت نیز شرکت‌های نفتی از ثبت بشک‌های نفتی در دفاتر حساب خود محروم می‌شوند. به‌طور کلی، می‌توان این‌گونه بیان کرد که تفاوت این دو از لحاظ مالی و اقتصادی بستگی به سودآوری پروژه نفتی دارد. هرچه پروژه سودآورتر باشد، سهم شرکت ملی نفت از قرارداد عملیات مشترک به سهم این شرکت از قرارداد بالادستی شبیه‌تر می‌شود (Johnston, and Johnston, 2010: 8). به عبارت دیگر، هرچه سودآوری پروژه کمتر باشد، تمایل شرکت ملی به سهم‌بری از قرارداد بالادستی نسبت به سهم‌بری از قرارداد عملیات مشترک بیشتر خواهد بود.





در نمودار شماره ۴ این موضوع نمایش داده شده است. برای مثال، اگر سودآوری در نقطه کف فرضی (عدد صفر) باشد، تمایل به سهم بری از قرارداد بالادستی در بالاترین نقطه فرضی خود (عدد ۲) خواهد بود.

### ۳. نحوه تخصیص سهم به شرکت ملی نفت

پس از بیان ساختار مشارکت شرکت ملی نفت در عملیات نفتی، حال باید به این مسئله پرداخت که با توجه به اینکه ریسکی برعهده این شرکت قرار نمی‌گیرد، نحوه تخصیص سهم به این شرکت از عملیات چگونه خواهد بود. جهت تبیین این موضوع، ابتدا باید نحوه تخصیص سهم به طرف‌های عادی قرارداد عملیات مشترک بیان شود تا با بیان نحوه تخصیص سهم به شرکت ملی نفت، تفاوت این دو مشخص گردد.

#### ۳.۱. نحوه تخصیص سهم به‌طور عادی

اولین موضوعی که در خصوص روابط مالی میان طرف‌های قرارداد عملیات مشترک مورد بحث قرار می‌گیرد، این است که سهم هریک از طرف‌ها به چه نحوی تعیین می‌شود. سهم هریک از طرف‌ها در مشارکت در تعیین میزان تعهد هریک از آنها در تأمین هزینه‌ها و نیز میزان سهم استحقاقی آنها از نفت و گاز تولیدی است که با عنوان سهم مشارکت<sup>۱</sup> شناخته می‌شود که البته

1. participating interest

در نمونه قراردادهای امریکای شمالی، با توجه به نظام مالکیت خصوصی نفتی، با اصطلاحات دیگری<sup>۱</sup> بیان می‌شود.

در خصوص سهم باید بیان داشت که قرارداد یا امتیاز بالادستی اصلی به مجموع و کل طرف‌ها (بدون تعیین درصد هریک) واگذار می‌شود. تعیین سهم در قرارداد عملیات مشترک تعیین می‌شود که به صورت درصدی مشخص برای هریک از طرف‌ها خواهد بود. به همین دلیل، طرف‌های قرارداد نمی‌توانند در مقابل دولت طرف قرارداد بالادستی اصلی به نسبت سهم خود استناد نمایند (Ovcharova and Pereira, 2015: 14)، زیرا از دیدگاه دولت میزبان مشارکت به عنوان یک واحد تلقی شده، مسئولیت‌های هر کدام از شرکا در مقابل دولت میزبان به صورت مشترک و تضامنی خواهد بود (شیروی، ۱۳۹۳: ۳۷۳).

ماده ۱,۱ نمونه قرارداد عملیات مشترک (۲۰۱۲) انجمن مذاکره‌کنندگان بین‌المللی نفتی، سهم را این‌گونه تعریف می‌کند: «سهم مشارکت عبارت است از سهم تقسیم‌نشده [مشاع] هریک از طرف‌ها (که به صورت درصد قید می‌شود) از مجموع حقوق، منافع، تعهدات و مسئولیت‌های همه طرف‌ها ناشی از قرارداد حاضر و قرارداد اصلی بالادستی». ماده ۳,۳ همین نمونه قرارداد، گستره آثار میزان سهم برای هریک از طرف‌ها را مشخص می‌کند. باید در نظر داشت که در صورت انجام عملیات غیرمشترک، سهم هریک به نسبت مشخص در همان عملیات معین خواهد شد.

در توضیح عبارت «تقسیم‌نشده» در تعریف پیش‌گفته، سهم پیش از انعقاد قرارداد عملیات مشترک را به مالکیت اشتراکی<sup>۲</sup> و پس از انعقاد را به مالکیت مشاعی<sup>۳</sup> تشبیه کرده‌اند؛ گو اینکه با انعقاد قرارداد عملیات مشترک، حقوق و منافع هریک از طرف‌ها در امتیاز نفتی از حالت مالکیت اشتراکی به مالکیت مشاعی درمی‌آید.<sup>۴</sup> این بحث در امریکای شمالی که نظام مالکیت منابع نفت و گاز بر پایه مالکیت خصوصی است، بیشتر منشأ اثر می‌باشد.<sup>۵</sup>

1. leasehold interest/working interest

2. joint tenancy

3. tenancy in common

۴. طبق حقوق انگلستان، در مالکیت اشتراکی، مالکیت برای کل شرکا بوده، هریک از شرکا حق ادعا نسبت به کل ملک را دارد و می‌تواند به‌طور مستقل در ملک تصرف نماید. در نتیجه، برای شرکا سهم مستقل [حتی به صورت مشاعی و تقسیم‌نشده] وجود نداشته، هریک به یک اندازه مالک هستند. برای مالکیت اشتراکی، شرکا باید در چهار عنصر اتحاد و یگانگی داشته باشند: اتحاد در تصرف؛ اتحاد در مقدار، ماهیت و مدت حق مالکیت؛ اتحاد در نوع مالکیت؛ و اتحاد در زمان. در صورت فوت یکی از شرکا، مالکیت به دیگری می‌رسد (right of survivorship/ius accrescendi). در مقام مقایسه با مفاهیم حقوق داخلی ایران، مالکیت اشتراکی در حقوق انگلستان را می‌توان با حق عموم مردم نسبت به املاک عمومی (مانند راه‌ها، پل‌ها و غیره) تشبیه کرد؛ هریک از مردم به یک اندازه در اموال عمومی حق دارند و در صورت فوت هریک، در مقدار حق دیگران تغییری ایجاد نمی‌شود. اما در مالکیت مشاعی، حق مالکیت شرکای یگانه-هم‌زمان نبوده، هریک از شرکا نسبت مشخصی از حق مالکیت (مثلاً یک‌سوم، یک‌پنجم و غیره) به صورت مشاع و تقسیم‌نشده دارند (Dixon, 2018: 130-134).

۵. به همین دلیل، بند «الف» ماده ۱,۵ کاپل اعلام می‌دارد که همه طرف‌ها توافق کردند که حقوق طرف‌ها نسبت

میزان سهم طرف‌ها ممکن است در طول مدت اجرای قرارداد به دلایل مختلفی از جمله انتقال سهام یا کناره‌گیری، تغییر ایجاد نماید. در برخی از قراردادهای عملیات مشترک در جهت رعایت احتیاط مقرر می‌شود که پس از این تغییرات، راهبر طی اعلامیه‌ای ترکیب جدید طرف‌های قرارداد یا میزان سهام مشارکت یا هردوی اینها را به طرف‌ها کتباً اعلام نماید (Fowler and others, 2019: 23).

### ۲.۳. نحوه تخصیص سهم به شرکت ملی نفت

پس از بیان توضیحات کلی در مورد سهم باید به این مسئله پرداخت که سهم شرکت ملی نفت به چه ترتیبی خواهد بود. مهم‌ترین مسئله در خصوص مشارکت شرکت ملی نفت در عملیات نفتی، ریسک عملیات نفتی است. به موجب قوانین نفتی در بسیاری از کشورها، پذیرش ریسک عملیات نفتی از سوی شرکت ملی نفت ممنوع است. این امر در جهت تضمین حاکمیت و مالکیت بر منابع نفت و گاز مقرر می‌شود (منتظر و ابراهیمی، ۱۳۹۲: ۲۳۰).

برای حل این مسئله از دو روش استفاده می‌شود. از آنجایی که عمده ریسک عملیات نفتی مربوط به مرحله اکتشاف است، محوریت این روش‌ها بر کشف تجاری میدان قرار گرفته است. در روش نخست، اساساً مشارکت شرکت ملی نفت پس از احراز کشف تجاری رخ می‌دهد. با وجود این، در روش دوم، مشارکت شرکت ملی نفت از ابتدای عملیات یعنی مرحله اکتشاف است، لکن جهت پوشش ریسک‌های مرحله اکتشاف، سهم شرکت ملی نفت باید به صورت سهم تعهدشده باشد. سهم تعهدشده به این معناست که شرکت ملی نفت از ابتدای عملیات نفتی (از عملیات اکتشاف) سهم دارد، ولی سهمی که شرکت ملی نفت باید از هزینه‌های عملیات مشترک بپردازد، تا زمان کشف تجاری یا هر زمان دیگری که در قرارداد تعیین شده است، به سایر طرف‌های مشارکت تحمیل می‌شود. این موضوع در مقررات نفتی ایران نیز پیش‌بینی شده است. تبصره ماده ۱۱ تصویب‌نامه ۱۳۹۵ با اشاره به این مطلب که «این عملیات [مشترک] با حفظ مسئولیت پشتیبانی و نظارت کامل فنی، مالی، حقوقی و تخصصی طرف دوم قرارداد [شرکت بین‌المللی نفتی] ... انجام می‌شود»، عدم امکان ریسک‌پذیری شرکت تابعه شرکت ملی نفت ایران را مقرر می‌کند.

بنابراین، سهم تعهدشده در واقع راه‌حلی است برای زمانی که یک شرکت نفتی قصد دارد در عملیات مشارکت نماید، اما تمایل دارد این مشارکت بدون ریسک باشد. با توجه به این ویژگی سهم تعهدشده، دارنده آن عموماً شرکت ملی نفت است.

در سهم تعهدشده، دارنده سهم در خصوص هزینه‌ها (تا نقطه مشخصی) تعهدی ندارد. پس لازم است مشخص شود کدام‌یک از شرکت‌های بین‌المللی و به چه مقدار باید سهم شرکت ملی

از هزینه‌ها را برعهده بگیرد. به‌طور کلی هریک از شرکت‌های بین‌المللی به نسبت سهمی که دارند بخشی از هزینه‌های شرکت ملی را برعهده می‌گیرند و به همین نسبت به سهم شرکت ملی نفت اختصاص می‌یابد و مبالغ پرداختی به جای شرکت ملی به حساب بستنکاری هریک از طرف‌های بین‌المللی منظور تا مطابق با سازوکار پیش‌بینی شده در قرارداد، بعداً بازیافت شود (ماده ۳,۴ نمونه قرارداد عملیات مشترک (۲۰۱۲) انجمن مذاکره‌کنندگان بین‌المللی نفتی).

راهنمای انجمن مذاکره‌کنندگان بین‌المللی نفتی برای نمونه قرارداد عملیات مشترک (۲۰۱۲) با پیش‌فرض قرارداد موقعتی که شرکت ملی نفت اختیار مشارکت در عملیات پس از اعلام کشف میدان تجاری را دارد و هزینه‌های تعهدشده از سهم نفت تولیدی آتی این شرکت پرداخت می‌شود، شروطی را برای گنجاندن در قرارداد پیشنهاد می‌کند که البته در خود نمونه قرارداد وجود ندارد و توصیه انجمن مذاکره‌کنندگان بین‌المللی نفتی این است که این شروط در موافقت‌نامه‌ای<sup>۱</sup> مجزا تنظیم شود، نه در متن اصلی قرارداد عملیات مشترک.

ترتیبات مالی پیش‌بینی شده در راهنمای نامبرده برای این موضوع به این ترتیب است که سهم هریک از طرف‌ها به دو بخش سهم اولیه و ثانویه تقسیم شود. سهم اولیه<sup>۲</sup> یعنی سهم هریک از طرف‌ها منهای سهم ثانویه، سهم ثانویه<sup>۳</sup> نیز یعنی سهم هریک از طرف‌ها از هزینه‌های تعهدشده، هریک از این دو سهم به صورت درصدی مشخص برای هرکدام از طرف‌ها در قرارداد تعیین می‌شود. درصد سهم اولیه نشان‌دهنده سهم هریک از طرف‌ها از کل هزینه‌های عملیات مشترک به‌جز هزینه‌های تعهدشده، و درصد سهم ثانویه نشان‌دهنده سهم ایشان از هزینه‌های تعهدشده است.

ممکن است درصد سهم اولیه طرف‌ها با سهم ثانویه برابر باشد، مثلاً اگر سهم اولیه شرکت «الف» سی درصد است، سهم ثانویه این شرکت نیز سی درصد باشد. همچنین، ممکن است سهم اولیه یک یا چند یا همه طرف‌ها با سهم ثانویه آنها متفاوت باشد. در صورت متفاوت بودن این دو سهم، توازن مشارکت به نفع طرف‌هایی که سهم اولیه آنها کمتر از سهم ثانویه آنان است، تغییر می‌یابد. برای نمونه، اگر سهم اولیه شرکت «الف» سی درصد اما سهم ثانویه بیست درصد و از طرف دیگر سهم اولیه شرکت «ب» بیست درصد و سهم ثانویه آن سی درصد باشد، توازن مشارکت به نفع شرکت «الف» خواهد بود. به همین سبب، در این راهنما پیش‌بینی شده که تا پیش از بازیافت کامل هزینه‌های تعهدشده، حق رأی طرف‌ها براساس سهم ثانویه خواهد بود. به این ترتیب، حق رأی دارنده سهم تعهدشده به نسبت سهم ثانویه، بین سایر طرف‌ها تقسیم می‌شود و دارنده سهم تعهدشده تا زمانی که هزینه‌ها بازیافت گردد و مانند سایر طرف‌ها هزینه‌های عملیات را بپردازد، از دادن رأی محروم خواهد بود. این موضوع منطقی است، زیرا

1. carry agreement
2. Primary Participation
3. Secondary Participation

وقتی یکی از طرف‌ها هزینه‌ای پرداخت نمی‌کند، نباید حق رأی داشته باشد و از اطلاعات عملیات بهره‌مند شود. برخی این وضعیت را تشبیه به وضعیت طرفی کرده‌اند که به دلیل تخلف حقوق مشارکت او تعلیق شده است (Roberts and Fowler, 2020: 54). با وجود این، باید توجه داشت که عدم تعلق رأی به دارنده سهم تعهدشده نمی‌تواند مطلوب شرکت‌های ملی نفت باشد و چنین موضوعی را باید برای موردی انتظار داشت که دارنده سهم تعهدشده شرکتی خصوصی باشد، زیرا شرکت‌های ملی نفت همواره مشارکت در عملیات را وسیله‌ای برای اعمال کنترل بیشتر بر عملیات می‌بینند که محروم شدن از حق رأی یعنی ازدست دادن این کنترل، حداقل تا کشف میدان تجاری.

الزامی (یا حتی اختیاری) بودن مشارکت شرکت ملی نفت در عملیات در قالب سهم تعهدشده موجب کاهش جذابیت آن برای سرمایه‌گذاری نفتی می‌شود. برای نمونه، در کشور مراکش، مرکز ملی هیدروکربن و معادن<sup>۱</sup> سهم تعهدشده را بدون تعهد به بازیافت آن از سهم نفت تولیدی دارد، ولی جبران آن از طریق سهم بیشتر پیمانکار از سند بالادستی اصلی صورت می‌گیرد، نه خود قرارداد عملیات مشترک (Kanervisto and Pereira, 2013: 9). در واقع، حرکت کلی این سیاست بالادستی نفتی که بر مبنای آن دولت صاحب نفت پیمانکاران نفتی را به پذیرش سهم تعهدشده ملزم کرده است بدون اینکه تعهدی به بازپرداخت آن از نفت تولیدی داشته باشد و در عوض سهم پیمانکار در قرارداد بالادستی را افزایش دهد، به این سو است که نقش شرکت ملی نفت هرچه زودتر به یک شرکت نفتی بین‌المللی نزدیک شود.

#### ۴. نحوه بازیافت هزینه‌ها

از آنجایی که شرکت ملی نفت به نسبت سهمی که برای این شرکت در قرارداد عملیات مشترک منظور شده، از تولیدات سهم می‌برد، باید نحوه بازیافت هزینه‌هایی که شرکت‌های بین‌المللی به جای شرکت ملی نفت پرداخت کرده‌اند (هزینه‌های تعهدشده)<sup>۲</sup> نیز در قرارداد تعیین تکلیف شود. سازوکار بازیافت هزینه‌های تعهدشده در نمونه قرارداد انجمن مذاکره‌کنندگان بین‌المللی نفتی، به این ترتیب است که یک سهم از تولیدات را تحت عنوان «میزان خالص نفت استحقاقی ماهانه شرکت ملی [دولت]»<sup>۳</sup> در نظر گرفته، برای هریک از طرف‌ها که سهمی از هزینه‌های تعهدشده را تقبل کرده‌اند، سهمی از عواید حاصل از فروش «میزان خالص نفت استحقاقی ماهانه شرکت ملی» در نظر می‌گیرند تا هزینه‌هایی که طرف قرارداد به‌عنوان هزینه تعهدشده تقبل کرده

1. L'Office Nationale des Hydrocarbures et des Mines (ONHYM)

2. carried costs

3. Government Net Lifting Entitlement

(به‌علاوه بهره آن است که بر اساس نرخ توافق‌شده در قرارداد<sup>۱</sup> از زمان تقبل هزینه تا زمان بازیافت هزینه محاسبه می‌شود) از عواید حاصل از فروش بازیافت و الباقی به‌عنوان «هزینه تعهدشده بازیافت‌نشده»<sup>۲</sup> منظور شود. بنابراین، ملاحظه می‌شود که در نمونه قرارداد عملیات مشترک (۲۰۱۲) انجمن مذاکره‌کنندگان بین‌المللی نفتی، سهم شرکت‌های متعهد به صورت نقدی حساب می‌شود نه نفت.

البته بازیافت حق‌الامتیازهای دولت و مالیات بر تولید، هزینه‌های عملیات تولید و برچیدن و مقدار نفت تعهدشده در قرارداد بالادستی اصلی برای عرضه در بازار داخلی، از میزان خالص نفت استحقاقی ماهانه دولت، مقدم بر بازیافت هزینه‌های تعهدشده است. همچنین، طرف‌ها می‌توانند در قرارداد مقرر کنند کل میزان خالص نفت استحقاقی ماهانه شرکت ملی جهت بازیافت هزینه‌های تعهدشده اختصاص یابد یا اینکه صرفاً درصد مشخصی از آن برای این موضوع در نظر گرفته شود؛ به این معنا که همواره مثلاً سی درصد از میزان خالص نفت استحقاقی ماهانه شرکت ملی به بازیافت هزینه‌های تعهدشده اختصاص یابد و در صورت عدم اکتفا، مابقی هزینه‌ها به دوره بعدی بازیافت منتقل شود.

در مدل امریکای شمالی (ایالات متحده و کانادا) قید می‌شود تا زمانی که تمام هزینه‌های تعهدشده بازیافت نشده باشد، دارنده سهم تعهدشده حق برداشت از محصولات را نخواهد داشت. حتی ممکن است این حق اولویت در بازیافت علاوه بر خود هزینه‌های تعهدشده، نسبت به بهره هزینه‌های تعهدشده هم اعمال شود که در این کشورها ممکن است بهره هزینه‌های تعهدشده تا پنج برابر خود هزینه‌ها باشد (Lowe, 2019: 55-56). دلیل این ترتیبات در مدل امریکای شمالی این است که نظام مالکیت بر منافع نفت و گاز این کشورها، مالکیت خصوصی بوده، دارنده سهم تعهدشده نیز طبعاً یک شرکت یا فرد خصوصی است.

در راهنمای انجمن مذاکره‌کنندگان بین‌المللی نفتی برای نمونه قرارداد عملیات مشترک (۲۰۱۲) قید شده است که دولت یا شرکت ملی نفت می‌تواند سهم و همچنین حق تحمیل هزینه‌های سهمی خود به سایر طرف‌ها را به یک شرکتی که تماماً در مالکیت دولت است منتقل نماید، مشروط بر اینکه قوانین و مقررات مربوط، چنین انتقالی را اجازه داده باشد. شرکت ملی نفت همچنین می‌تواند سهم را به شرکتی که تماماً در مالکیت دولت نیست انتقال دهد، اما حق تحمیل هزینه‌ها را نمی‌تواند به این شرکت منتقل نماید. به همین جهت شرکت انتقال‌گیرنده باید کلیه هزینه‌های تعهدشده بازیافت‌نشده را به محض ورود به مشارکت نقداً بر اساس سهم ثانویه به هریک از طرف‌ها بپردازد. در انتقال از نوع اخیر، تجویز قانون حاکم نیز لازم است. همچنین،

1. Agreed Interest Rate  
2. Unrecovered Carried Costs

شرایط و محدودیت‌های کلی که قرارداد برای انتقال سهم از سوی هریک از طرف‌ها مقرر داشته، برای این نوع انتقال از سوی شرکت ملی نفت نیز وجود دارد، مانند ارائه دلایل و مدارک مربوط به ملائت و توانایی شرکت انتقال‌گیرنده در انجام تعهدات خود، حق اولویت سایر طرف‌ها در خرید سهم نسبت به اشخاص ثالث. در صورتی که بخشی از سهام شرکت ملی نفت به اشخاص خصوصی واگذار شود و دیگر در مالکیت تام دولت نباشد، این شرکت باید فوراً کلیه هزینه‌های تعهدشده بازیاقت‌نشده را نقداً بر اساس سهم ثانویه به هریک از طرف‌ها بپردازد. در این مورد نیز شرایط و محدودیت‌های کلی که قرارداد برای تغییرات در کنترل و مالکیت شرکت‌های طرف قرارداد عملیات مشترک مقرر داشته برای این تغییر در کنترل و مالکیت شرکت ملی نفت نیز وجود دارد، مانند ارائه دلایل و مدارک مربوط به ملائت و توانایی شرکت تغییریافته در انجام تعهدات خود، حق اولویت سایر طرف‌ها در خرید سهم نسبت به اشخاص ثالث. در خصوص ضمانت اجرای عدم پرداخت نقدی هزینه‌ها باید متذکر شد که در قرارداد عملیات مشترک قید می‌شود تا زمانی که انتقال‌گیرنده تمام مبلغ را پرداخت نکرده است، طرف قرارداد محسوب نشده، از این رو، الزامی برای شخص ثالث به پرداخت وجود ندارد؛ زیرا در صورت عدم پرداخت، از ورود به قرارداد محروم خواهد شد که در این صورت، طرفی که هزینه‌ها بر او تعهد شده است، در تصاحب سهمی که قرار بود به انتقال‌گیرنده منتقل شود، اولویت خواهد داشت.

یکی از مسائلی که باید در قرارداد روشن شود، ضمانت اجرای عدم پرداخت هزینه‌ها از سوی طرفیست که هزینه‌ها را برعهده گرفته است. این طرف باید هزینه‌هایی را که از طرف دارنده سهم تعهدشده برعهده گرفته، بپردازد، وگرنه ممکن است دارنده متخلف شناخته شود؛ به این منظور، دارنده باید یک ضمانت اجرای مخصوص این موضوع را در قرارداد بگنجانند. یکی از گزینه‌های دارنده سهم تعهدشده برای ضمانت اجرای تخلف طرفی که هزینه‌ها را برعهده گرفته، فسخ قرارداد و خروج از آن است که البته به‌طور کامل نمی‌تواند منافع دارنده را تأمین کند (Roberts and Fowler, 2020: 54-5). در این خصوص، گنجاندن ضمانت اجرایی که مورد قبول طرف‌های دیگر مشارکت هم باشد دشوار است، زیرا طرف‌های دیگر ممکن است هرگونه تخلف طرفی که هزینه‌ها را برعهده گرفته است عمدی و ناشی از تبانی با دارنده سهم تعهدشده بدانند.

## ۵. ساختار مالی عملیات اکتشاف در شرایط تحریمی

سهم تعهدشده از جهت منبع بازیاقت به دو نوع تقسیم می‌شود: نوع اول، سهم تعهدشده سخت<sup>۱</sup> است که به‌موجب آن، پس از پایان بازه زمانی انجام هزینه‌های تعهدشده، دارنده سهم تعهدشده

1. hard carry

باید به‌طور مستقیم و نقدی هزینه‌ها را بازپرداخت کند. این بازپرداخت عموماً با بهره<sup>۱</sup> همراه است که این نوع از سهم را بیشتر شبیه به اعطای وام می‌کند. نوع دوم، سهم تعهدشده<sup>۲</sup> نرم<sup>۳</sup> است که به‌موجب آن، پس از پایان بازه زمانی انجام هزینه‌های تعهدشده، دارنده سهم تعهدشده ملزم نیست نقداً هزینه‌ها را پرداخت کند، بلکه متعهد سهم تعهدشده، عوض آن را از تولیدات (که ممکن است با بهره‌ای نیز همراه باشد) برداشت می‌کند. این نوع سهم تعهدشده، درواقع خرید سهم با ثمن موجه<sup>۴</sup> است. البته باید یادآور شد که این دو اصطلاح بعضاً به‌جای یکدیگر نیز استفاده می‌شوند (Roberts and Fowler, 2020: 54).

سهم تعهدشده سخت بیشتر به نفع طرفی است که هزینه‌ها به او تحمیل شده است، زیرا با پرداخت نقدی هزینه‌ها، ریسک‌های مربوط به نوسان قیمت نفت و گاز را تحمل نخواهد کرد. لذا، این نوع سهم عموماً برای جایی است که طرف ذی‌نفع سهم تعهدشده، یک شرکت خصوصی است، نه شرکت ملی نفت. نمونه قرارداد عملیات مشترک (۲۰۱۲) انجمن مذاکره‌کنندگان بین‌المللی نفتی، سهم تعهدشده نرم را برای مشارکت شرکت ملی پیشنهاد داده است، اما درصورت انتقال این سهم از سوی شرکت ملی به یک شرکت خصوصی، این شرکت باید سریعاً کل هزینه‌های تعهدشده‌ای را که تا زمان انتقال بازیاقت نشده نقداً بپردازد. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که دولت‌ها با برگزیدن سهم تعهدشده، ریسک عدم کشف میدان تجاری را به شرکت‌های عامل، و با برگزیدن نوع نرم آن، برخی از ریسک‌های مربوط به قیمت نفت و گاز تولیدی را نیز به این شرکت‌ها تحمیل می‌کنند.

بهترین حالت برای طرف متعهد سهم تعهدشده این است که به محض ورود شرکت ملی نفت به قرارداد عملیات مشترک، هزینه‌های پیشین نقداً و فوراً پرداخت شود. این نوع بازپرداخت در نمونه قرارداد مشارکت در تولید اندونزی در سال ۱۹۹۲ وجود دارد که شرکت دولتی نیز می‌تواند با ارسال یک نامه این بازپرداخت را به تأخیر بیندازد. همین موضوع در سیستم امتیازی ابوظبی نیز مشاهده شده است. با وجود این، بازیاقت هزینه‌های تعهدشده عموماً از نفت تولیدی سهمی شرکت ملی صورت می‌گیرد. در سیستم‌های امتیازی این بازیاقت در قالب تخفیف مالیات<sup>۴</sup> و در سیستم‌های قراردادی در قالب بازیاقت هزینه انجام می‌شود که در برخی از کشورها از «نفت هزینه» سهمی شرکت ملی این بازیاقت صورت می‌گیرد (Moore and others, 2019: 483).

در قرارداد نفتی منعقد بین شرکت ملی نفت غنا و شرکت نفتی ویتول در سال ۲۰۰۸، سهم تعهدشده این‌گونه آمده است: «سهم متعلق به شرکت ملی نفت غنا که پیمانکار سهم شرکت

- 
1. uplift
  2. soft carry
  3. deferred purchase consideration
  4. tax allowance



ملی نفت را از هزینه‌های عملیات بدون مطالبه بازپرداخت آن، می‌پردازد»<sup>۱</sup> (بند ۱،۱۳ ماده ۱). مطابق بند ۷ ماده ۲ این قرارداد، شرکت ملی نفت صرفاً در خصوص هزینه‌های عملیات توسعه و بهره‌برداری متعهد به پرداخت است و مطابق بند ۸ در خصوص هزینه‌های عملیات اکتشاف، اختیار (نه تعهد) مشارکت دارد. در صورت مشارکت شرکت ملی نفت در هزینه‌های عملیات اکتشاف و عدم کشف تجاری، پیمانکار به جبران هزینه‌هایی متعهد خواهد بود که شرکت ملی نفت برای عملیات اکتشاف تقبل نموده است.

ساختار مالی سهم تعهدشده نرم می‌تواند برای شرایط تحریمی مورد استفاده قرار گیرد، زیرا در صورت استفاده از این ساختار، ریسک عدم فروش نفت و گاز به دلیل وضع تحریم‌ها، به شرکت بین‌المللی نفتی منتقل می‌شود.

به این ترتیب، وقتی قرار است هزینه‌های تعهدشده از سهم شرکت ملی از نفت تولیدی باز یافت شود، ریسک عدم فروش نفت به سبب وضع تحریم‌های جدید، به شرکت بین‌المللی نفتی منتقل خواهد شد. در این خصوص باید به چند نکته توجه داشت: نخست اینکه باز یافت هزینه‌های تعهدشده ممکن است به ایجاد حق نسبت به نفت تولیدی برای شرکت بین‌المللی نفتی منجر شود. می‌توان در قرارداد نفتی از ایجاد چنین حقی با درج شرط صریح جلوگیری کرد. در صورتی که باز یافت هزینه‌های تعهدشده به ایجاد حق برای شرکت بین‌المللی نفتی بینجامد، این شرکت می‌تواند نفت تولیدی آتی را در حساب‌های خود درج کند. دوم، مشارکت در عملیات اکتشاف با وجود تحریم‌ها قابل تصور نیست، زیرا این امر مانع از انعقاد قرارداد نفتی بین شرکت ملی و شرکت بین‌المللی خواهد بود. سوم، نمونه قراردادهای عملیات به تحریم‌های اقتصادی نپرداخته‌اند که ممکن است موجب بروز اختلافات اساسی بین طرف‌ها شود. پیشنهاد شده است که تحریم‌های اقتصادی جزء موارد فورس مازور قید شود و طرف‌ها در مقابل یکدیگر، متعهد به جبران خسارات، زیان‌ها، هزینه‌ها و جریمه‌های ناشی از شمول تحریم‌ها بر طرف‌های دیگر (اعم از خود طرف یا مدیران یا کارکنان آن) باشند (Derman, 2019: 342-7). چهارم، در صورت تعهد به جبران ممنوعیت‌های تحریمی، باید سازوکار جبران نیز مشخص شود؛ برای مثال، وضع تحریم می‌تواند موجهی برای ایجاد حق نسبت به نفت تولیدی برای شرکت بین‌المللی نفتی باشد، حقی که قبل از وضع تحریم وجود نداشت. پنجم، دولت ایران جهت کاهش آثار وضع مجدد تحریم‌های اقتصادی پس از برجام، قانون حداکثر استفاده از توان تولیدی و خدماتی کشور و حمایت از کالای ایرانی را در اردیبهشت سال ۱۳۹۸ به تصویب رساند. در این قانون، مشارکت ایرانی - خارجی پیش‌بینی شده، اما سازوکار اجرایی و قراردادی آن به‌طور کامل مشخص نشده

1. "Carried Interest means an interest held by GNPC in respect of which Contractor pays for the conduct of Petroleum Operations without any entitlement to reimbursement from GNPC".

است. مشارکت باید در قالب گروه اقتصادی با منافع مشترک یا شرکت تجاری به‌ثبت برسد و صرف انعقاد قرارداد عملیات مشترک برای رعایت الزامات این قانون کافی نیست.

### نتیجه

کشورهای صاحب نفت با هدف انتقال تکنولوژی و دانش مدیریتی، شرکت‌های خارجی را ملزم می‌کنند با شرکت‌های ملی نفت مشارکت نمایند. مشارکت شرکت ملی در عملیات نفتی پیش‌تر با امضای یک سند واحد (قرارداد مشارکت در سرمایه‌گذاری) انجام می‌شد، اما در حال حاضر این نوع مشارکت در قالب انعقاد قرارداد عملیات مشترک بین شرکت ملی نفتی و شرکت بین‌المللی نفتی، پس از امضای قرارداد بالادستی اصلی یا اعطای مجوز نفتی صورت می‌پذیرد.

این نوع مشارکت بدون تقبل ریسک است. برای شرکت ملی نفت همانند سایر طرف‌های قرارداد عملیات مشترک، درصد سهم مشخصی در نظر گرفته می‌شود. سهم شرکت ملی نفت از هزینه‌های عملیات به طرف‌های بین‌المللی قرارداد تحمیل می‌شود تا زمانی که نفت کشف (تجاری) شود. تحمیل هزینه‌ها و ریسک به‌ندرت بعد از کشف میدان تجاری نیز ادامه می‌یابد. هزینه‌ها ممکن است بر همه طرف‌های بین‌المللی تحمیل شود یا فقط برخی از آنها این هزینه‌ها را از طرف شرکت ملی نفت برعهده گیرند.

پس از کشف و آغاز مرحله توسعه، مسئله باز یافت سهم هزینه‌های تحمیل‌شده مطرح می‌شود. باز یافت از دو طریق ممکن است انجام شود. باز یافت نرم که به این ترتیب، پس از کشف میدان، شرکت ملی نفت کلیه هزینه‌ها را یکجا به طرف یا طرف‌هایی که هزینه‌ها را متقبل شده‌اند پرداخت می‌کند. در مقابل، باز یافت سخت است که استهلاک هزینه‌های شرکت ملی از طریق فروش نفت به طرف تقبل‌کننده صورت می‌گیرد.

ساختار مالی مشارکت شرکت ملی نفت در قرارداد عملیات مشترک، با توجه به عدم تحمل ریسک از سوی شرکت ملی نفت، مانند شرکت بین‌المللی نفتی نیست و به همین جهت ضمانت‌های اجرایی که برای تخلف از تعهدات برای طرف‌های عادی قرارداد عملیات مشترک در نظر گرفته می‌شود، در مقابل شرکت ملی نفت قابل اجرا نخواهد بود.

با توجه به مطالب پیش‌گفته، می‌توان استفاده از مدل مشارکت از طریق سهم تعهدشده را برای قانون‌گذار و طراح مدل قرارداد نفتی ایرانی توصیه کرد. سهم تعهدشده نرم یا سخت، بسته به ساختار و شرایط تحریمی، ممکن است مورد استفاده قرار گیرد. ساختار سهم تعهدشده نرم برای شرایط تحریم مناسب است، به این معنا که جبران هزینه‌های شرکت بین‌المللی نفتی از نفت تولیدی (بدون ایجاد حق برای این شرکت) باشد و به این ترتیب اگر تحریم وضع شد، ریسکی متوجه شرکت ملی نفت از بابت فروش نفت نمی‌شود. برای لحاظ کردن منافع شرکت

بین‌المللی نفتی در این شرایط می‌توان ایجاد حق برای شرکت بین‌المللی نسبت به نفت تولیدی را وابسته بر وضع تحریم کرد.

بنابراین، به نظر می‌رسد لازم است سیاست‌گذاران نفتی ایرانی نمونه‌ای از قرارداد عملیات مشترک مشتمل بر شروط مربوط به مشارکت در عملیات اکتشاف نفتی در قالب سهم تعهدشده به صنعت بالادستی نفتی جهان را ارائه کنند. در این نمونه قرارداد می‌توان هر دو نوع سهم تعهدشده (نرم یا سخت) را به‌عنوان دو گزینه موازی مناسب برای شرایط اقتصادی متفاوت ارائه کرد. همچنین حداکثر ظرفیت‌هایی که قانون از توان تولیدی و خدماتی کشور و حمایت از کالای ایرانی برای استفاده از قالب مشارکت ایجاد کرده است، می‌تواند در جهت طراحی مدل قراردادی مناسب به‌کار گرفته شود.

## منابع و مآخذ

### الف) فارسی

۱. ایرانپور، فرهاد (۱۳۸۷). انواع قراردادهای نفتی؛ تحول قراردادهای نفتی از قراردادهای معاوضی به سوی قراردادهای مشارکتی. *فصلنامه حقوق*، دوره ۳۸، ش ۲.
۲. شیروی، عبدالحسین (۱۳۹۳). *حقوق نفت و گاز*، تهران: نشر میزان.
۳. شیروی، عبدالحسین و امین مجد، فاطمه (۱۳۹۱). سرمایه‌گذاری خارجی در عملیات بالادستی نفت و گاز. *مجله حقوق خصوصی*، دوره ۹، ش ۲.
۴. شیروی، عبدالحسین و خدادادپور، منیره (۱۳۹۳). مشارکت عمومی - خصوصی از منظر قوانین ایران. *مجله حقوق خصوصی*، دوره ۱۱، ش ۲.
۵. منتظر، مهدی و ابراهیمی، سید نصرالله (۱۳۹۲). جایگاه قراردادهای بیع متقابل در پروژه‌های بالادستی نفت و گاز ایران و مقایسه آن با قراردادهای مشارکت در تولید. *مجله حقوقی بین‌المللی*، ش ۴۹.

### ب) خارجی

1. AIPN (2012). *Guidance Notes to AIPN 2012 Model Joint Operating Agreement*.
2. Derman, Andrew B and others., The compliance dilemma: economic sanctions and the AIPN Model Form International Joint Operating Agreement. *Journal of World Energy Law and Business*, Volume 12, Issue 4, 2019.
3. Dixon, Martin (2018). *Modern Land Law*, 11th edition, Routledge.
4. Duval, Claude and others (2009). *International Petroleum Exploration and Exploitation Agreements: Legal, Economic & Policy Aspects*, Barrows.
5. Fowler, Reg and others (2019). *The AIPN Joint Operating Agreement: A Practical Guide*, Globe Law and Business.
6. Johnston, Daniel and David Johnston (2010). *Petroleum Fiscal System Analysis-State of Play*, OGEL.
7. Johnston, Daniel (1994). *International Petroleum Fiscal Systems and Production Sharing Contracts*, PennWell Books.

8. Kanervisto, M.K. and E.G. Pereira (2013). National Oil Companies Operating in Upstream Petroleum Projects and Participating in Joint Operating Agreements. *OGEL*, Vol. 11, Issue 4.
9. Lowe, John S. (2019). *Oil and Gas in a Nutshell*, West Academic Publishing, 7th edition.
10. Macneil, Ian R. (1977). Contracts: Adjustment of Long-Term Economic Relations under Classical. *Neoclassical, and Relational Contract Law*, Northwestern University Law Review, Vol. 72, No. 6.
11. Moore, Christopher Robertson Kinley, et al. (2019). The effect of non-fiscal clauses in Host Government Instruments on the Fair Market Value of upstream opportunities. *Journal of World Energy Law & Business*, Vol. 12, Issue 6.
12. Ovcharova, Anna and Eduardo Pereira (2015). *Joint Operating Agreements: A Comparison between the IOC and NOC Perspectives*, Globe Law and Business. Partnership Act 1890.
13. Pereira, Eduardo G. (2018). *Joint Operating Agreements: Risk Control for the Non-Operator*, Globe Law and Business.
14. Roberts, Peters and Reg Fowler (2020). *Joint Operating Agreements*, 4rd Edition, Globe Law and Business.
15. Styles, Scott Crichto (2018). Joint Operating Agreements, in Greg Gordon, John Paterson, Emre Üşenmez (eds.), *Oil and Gas Law: Current Practice and Emerging Trends*, Vol. II, 3rd edition, Edinburgh University Press.
16. Sweeney, David H. (2016). *Oil and Gas Joint Operating Agreements: A Comparative World-wide Analysis*, LexisNexis.
17. Treitel, Guenter (2015). *The Law of Contract*, 14<sup>th</sup> edition (edited by Edwin Peel), Sweet & Maxwell.